

Effect of Incubation Time and Different Levels of Vermicompost on Nickel Chemical Forms in a Calcareous Soil

Maryam Mosapour¹ and Mohammad Feizian²

1-Department of Soil Science, Faculty of Agriculture, University of Lorestan, Khorramabad, Iran.

Email: maryam.mosapour8@gmail.com

2-Corresponding Author, Department of Soil Science, Faculty of Agriculture, University of Lorestan, Khorramabad, Iran. Email: feizian.m@lu.ac.ir

Received: June 19, 2024

Revised: August 7, 2024

Accepted: August 10, 2024

Published: December 21, 2024

Extended Abstract

Background and Objectives

One of the major environmental problems is soil and water pollution with heavy metals in human societies. One of the main reasons for increasing the availability of heavy metals in the soil is the excessive use of chemical fertilizers, pesticides, as well as the entry of municipal and industrial wastewaters into the soil environment. Nickel (Ni) is one of the heavy metals but essential elements for plants. This metal is a part of urease enzyme and plays an important role in nitrogen metabolism. But its excessive accumulation reduces the nutritional value of plants. Heavy metals show different behaviors with the passage of time according to the type of soil and its components; So that with the passage of time, their availability for plants root is reduced and they become less soluble. Heavy metals are observed in the soil in the form of soluble, exchangeable complexes, connected to carbonates, oxides and hydroxides of iron and manganese, organic substances, and in the form of a part of the structure of minerals. Determining the chemical forms of heavy metals using successive extractors helps to relate their chemical forms in the soil, evaluate their availability and leaching. In fact, it can show the destructive and environmental effects of heavy metals in the soil.

Nowadays, the use of organic fertilizers has increased in reducing the bioavailability of heavy metals and converting them into less soluble forms. Nickel is a nutrient for plants, humans, and animals, but its high concentrations can cause toxicity in these organisms. Therefore, it seems necessary to study the change of shape and its transformation over time in the environment on the growth and health of plants and animals. Therefore, in this study, we investigate the effect of time duration on the forms and chemical components of Nickel in a calcareous soil under the different levels of vermicompost application.

Methodology

In order to investigate the effect of vermicompost application on the distribution of chemical forms of nickel in the soil, a factorial experiment was conducted on the basis of a completely randomized design with three factors of vermicompost at three levels (0, 5, and 10 % by weight), nickel at two levels (0 and 100 mg Ni/kg), and time duration at two levels (1 and 2 months) with three repetitions in greenhouse conditions. In order to contaminate the soil, first, 500 grams of soil was weighed for each pot, then different levels of nickel nitrate were added to the soil samples by spraying. After drying, the pot soil samples were completely mixed and the desired levels of vermicompost were added to them. During the test period, the samples were incubated at 25 °C and the moisture of the samples were also kept at field capacity. In order to ventilate and create aerobic conditions, a hole with a diameter of several millimeters was created on the lid of the samples. In the first stage, one month after contaminating the studied soil with nickel, 1 gram of soil was removed from each pot

and the chemical forms of nickel including solution + exchange, carbonate, organic, and bound to manganese and iron oxides were measured. In the second stage (2 months after contaminating the soil), the steps of the first stage were repeated. Finally, SAS software and Duncan's multiple range test were used for statistical analysis of the data.

Results

The results of this research showed that vermicompost application had different effects on the chemical forms of nickel over time, so that in both times (1 and 2 months) the application of 5 and 10 % of vermicompost caused a decrease in the form of soluble + exchangeable, carbonate, and residual nickel, while it increased the nickel concentration in the forms of organic-bound, and bounded to manganese oxides, amorphous iron oxides, and crystalline iron oxides.

Conclusion

Considering the results of this research and the positive effects of vermicompost application in reducing the bioavailability of soil nickel over time, it can be concluded that application of this organic fertilizer can reduce the environmental risks of this heavy metal in contaminated soils. Also, considering the short period of time used in this research, it is suggested to investigate the long term effect of vermicompost on the bioavailability of nickel and other heavy elements in longer periods of time.

Keywords: Calcareous soils, Fractionation, Heavy metals, Organic fertilizers

Data Availability Statement

Data is available on reasonable request from the authors.

Acknowledgements

This paper is published as a part of a Master's thesis supported by the Vice Chancellor for Research and Technology of the University of Lorestan, Iran. The authors are thankful to the University of Lorestan for financial supports.

Conflict of interest

The authors declare no conflict of interest.

Ethical considerations

The authors avoided data fabrication, falsification, plagiarism, and misconduct.

Cite this article: Mosapour, M. & Feizian, M. (2024). Effect of incubation time and different levels of vermicompost on nickel chemical forms in a calcareous soil. *Journal of Soil and Plant Science*, 34(4), 37–52.
<https://doi.org/10.22034/sps.2024.19182>

This work is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.



Copyright © 2024 The Authors.
Publisher: The University of Tabriz

OPEN ACCESS
JOURNALS



مقاله پژوهشی

اثر زمان خواباندن و سطوح مختلف ورمی کمپوست بر شکل‌های شیمیایی نیکل در یک خاک آهکی

مریم موسی‌پور^۱ و محمد فیضیان^۲

۱- گروه علوم و مهندسی خاک، دانشکده کشاورزی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.

E-mail: maryam.mosapour8@gmail.com

۲- نویسنده مسئول، گروه علوم و مهندسی خاک، دانشکده کشاورزی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.

E-mail: feizian.m@lu.ac.ir

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۵/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۳۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۲۰

چکیده

برای بررسی تأثیر ورمی کمپوست بر توزیع شکل‌های شیمیایی نیکل در خاک، آزمایشی به صورت فاکتوریل و در قالب طرح کاملاً تصادفی با سه عامل ورمی کمپوست در سه سطح (۰، ۵ و ۱۰ درصد وزنی)، نیکل در دو سطح (۰ و ۱۰۰ میلی‌گرم بر کیلوگرم) و زمان خوابانیدن در دو سطح (۱ و ۲ ماه) و با سه تکرار انجام شد. نمونه‌ها در طول دوره آزمایش (دو ماه) در دمای حدود ۲۵ درجه سلسیوس و رطوبت ظرفیت مزروعه‌ای نگهداری شدند. توزیع شکل‌های شیمیایی نیکل، با روش عصاره‌گیری پی‌درپی تعیین گردید. نتایج نشان داد که در هر دو زمان (۱ و ۲ ماه)، کاربرد سطوح ۵ و ۱۰ درصد ورمی کمپوست سبب کاهش شکل‌های محلول + تبادلی، کربناتی و باقی‌مانده و افزایش شکل‌های آلی، پیوند یافته با اکسیدهای منگنز، اکسیدهای آهن بی‌شکل و اکسیدهای آهن بلورین شد. با توجه‌به نقش مثبت ورمی کمپوست در کاهش زیست‌فراهرمی نیکل خاک در طول زمان می‌توان نتیجه گرفت که مصرف این کود آلی در خاک‌های آلوود به فلزهای سنگین از جمله نیکل، می‌تواند خطرات محیط‌زیستی این فلزها را کاهش دهد. همچنین، با توجه‌به دوره کوتاه زمانی به کار گرفته شده در این پژوهش پیشنهاد می‌شود که اثر طولانی‌مدت ورمی کمپوست بر زیست‌فراهرمی نیکل و سایر فلزهای سنگین در زمان‌های طولانی‌تری نیز بررسی شود.

واژه‌های کلیدی:

خاک‌های آهکی، شکل محلول و تبادلی، فلزهای سنگین، عصاره‌گیری پی در پی، کودهای آلی

استناد به این مقاله: موسی‌پور، م. و فیضیان، م. (۱۴۰۳). اثر زمان خواباندن و سطوح مختلف ورمی کمپوست بر شکل‌های شیمیایی نیکل در یک خاک آهکی. نشریه دانش خاک و گیاه، ۳۴(۴)، ۳۷-۵۲.

<https://doi.org/10.22034/sps.2024.19182>

مقدمه

نیکل یکی از فلزهای سنگین اما ضروری برای گیاهان محسوب می‌شود زیرا این فلز جزئی از آنزیم اوره‌آز است و در متابولیسم نیتروژن نقش مهمی ایفا می‌کند؛ اما تجمع بیش از حد آن موجب کاهش ارزش غذایی گیاهان می‌شود. حد مجاز نیکل در خاکها ۵۰ میلی‌گرم بر کیلوگرم است. هرچند جذب نیکل اضافی محدودیت رشد گیاه را به دنبال دارد اما هنوز سازوکار نحوه عمل آن مشخص نشده است (Yang et al., 1996). از مشکلیت عمدۀ محیط‌زیست، آلودگی خاک و آب با فلزهای سنگین در جوامع بشری است زیرا بر کاهش عملکرد و کیفیت محصولات کشاورزی اثرگذار است و پایداری تولید محصولات کشاورزی را دچار مشکل نموده است. از دلایل اصلی افزایش فراهمی فلزهای سنگین در خاک، استفاده محصولات کشاورزی سنگین را دچار مشکل نموده است. از دلایل اصلی افزایش فراهمی فلزهای سنگین در خاک، استفاده Lorestani et al., 2014 بیش از حد از کودهای شیمیایی، آفتکش‌ها و ورود فاضلاب‌های شهری و صنعتی به محیط خاک می‌باشد (al.). فلزهای سنگین با توجه به نوع خاک و اجزای آن با گذشت زمان رفتارهای متفاوتی از خود نشان می‌دهند به طوری‌که با گذشت زمان از فراهمی آن‌ها برای جذب به وسیله گیاهان کاسته شده و به شکل کم محلول‌تر تبدیل می‌شوند (Hooda & Alloway, 1993; Selim & Sparks, 2001; Bolan et al., 2003) که با گذشت زمان از فراهمی آن‌ها برای جذب به وسیله گیاهان کاسته شده و به شکل کم محلول تر تبدیل می‌شوند (Fytianos et al., 2001). ثابت فلزهای سنگین یکی از راههای مقرن‌به‌صرفه با اثرات مخرب محیط‌زیستی پایین بسیار مورد توجه است (Gao et al., 2019). امروزه پسماندهای آلی در کشاورزی منبع بالارزشی از عناصر غذایی و اصلاحگرهای آلی برای گیاه به شمار می‌آیند (Courtney & Mullen, 2007). کودهای آلی از جمله ورمی‌کمپوست از طریق تبدیل شکل تبادلی و محلول فلزهای سنگین به شکل‌های کربناتی، آلی و هیدروکسید چندگانه، موجب تغییر و کاهش ریست‌فراهمی آن‌ها در خاک می‌شوند که این پدیده خود به نوع فلز، میزان فلزهای سنگین، میزان نمک فلز، نوع خاک، ویژگی‌های کود آلی مخصوصاً درجه هوموسی شدن کود، ظرفیت تبادل کاتیونی و اثر آن بر اسیدیتی خاک بستگی دارد (Tordoff et al., 2000). از طریق با توجه به اینکه اسیدیتی ورمی‌کمپوست نزدیک به خنثی می‌باشد با ثابت فلزهای سنگین موجب کاهش حل‌پذیری آن‌ها در خاک می‌گردد. مطالعات نشان داده است مصرف کودهای آلی سبب افزایش حل‌پذیری فلزهای سنگین به صورت کمپاکس فلزها با ترکیبات آلی محلول می‌شود، اما مواد هیومیکی که بخش اصلی مواد آلی را تشکیل می‌دهد از طریق تشکیل کی‌لیت با فلز، می‌تواند حل‌پذیری فلز را کاهش دهد (Udom et al., 2004). از طریق تبادل با کاهش آلودگی فلزهای سنگین در خاک با استفاده از مواد Madrid et al., 2007 آلی (کودهای حیوانی و بقایای گیاهی) از طریق ثبت و نامحلول کردن این فلزها انجام شده است (Rahimi, 2018; Falahati et al., 2023). تعیین شکل‌های شیمیایی فلزهای سنگین با استفاده از عصاره‌گیرهای پی‌درپی به ارتباط شکل‌های شیمیایی آن‌ها در خاک، ارزیابی فراهمی و آبشویی آن‌ها کمک شایانی می‌نماید. همچنین، اثرات مخرب و محیط‌زیستی فلزهای سنگین را در خاک نشان می‌دهد (Tessier et al., 1979; Gleyzes et al., 2002; Kaasalainen & Yli-Halla, 2003). نیکل عنصری ضروری برای گیاهان، انسان و حیوانات به شمار می‌آید، اما غلظت‌های بالای آن قادر به ایجاد سمیت در این جانداران است؛ بنابراین مطالعه تغییر شکل و تبدیل آن در طول زمان در محیط بر رشد و سلامت گیاهان و جانوران ضروری به نظر می‌رسد. لذا، در این پژوهش اثر گذشت زمان بر تغییر شکل‌ها و اجزای شیمیایی فلز نیکل در یک خاک آهکی پس از کاربرد ورمی‌کمپوست بررسی شد.

مواد و روش‌ها

در پژوهش حاضر برای بررسی اثر زمان و ورمی‌کمپوست کود گاوی بر توزیع شکل‌های شیمیایی نیکل، نمونه‌برداری از عمق ۰-۳۰ سانتی‌متری خاک واقع در ایستگاه دانشکده کشاورزی دانشگاه لرستان انجام شد. پس از هوا خشک کردن

نمونه‌ها و غربال کردن با الک ۰/۲ میلی‌متری برخی ویژگی‌های فیزیکی و شیمیایی از قبیل pH عصاره اشباع با استفاده از دستگاه pH متر (Thomas, 1996)، کلسیم کربنات معادل به روش خنثی‌سازی با اسید و تیتر کردن با سود (Allison and Moodie, 1965)، بافت خاک به روش هیدرو‌متری (Gee & Buder, 1986)، قابلیت هدایت الکتریکی عصاره اشباع به‌وسیله هدایت‌سنجد الکتریکی (Rhoades, 1996)، کربن آلی به روش ترسوزانی (Nelson & Sommers, 1996)، نیتروژن کل به روش کلدار (Bremner, 1996)، فسفر قابل استفاده به روش عصاره‌گیری با سدیم بی‌کربنات (Kuo, 1996)، پتانسیم قابل جذب خاک با استفاده از عصاره‌گیر آمونیوم استات و قرائت با دستگاه فلیم فتو‌متر (Knudsen et al., 1982)، نیکل کل پس از عصاره‌گیری با هیدروکلریک اسید و نیتریک اسید (Baker & Amacher, 1982) با استفاده از دستگاه جذب اتمی تعیین شدند (جدول ۱). برای اندازه‌گیری ویژگی‌های شیمیایی ورمی‌کمپوست ابتدا ورمی‌کمپوست در دمای ۹۰ درجه سلسیوس به مدت ۲۴ ساعت خشک گردید و از الک ۰/۲ میلی‌متری عبور داده شد. سپس در عصاره نسبت ۱۰:۱ (ورمی‌کمپوست:آب مقطر) پس از گذشت ۲ ساعت، EC (با استفاده از دستگاه EC‌سنجد) و pH (با استفاده از دستگاه pH‌سنجد) و برخی عناصر شامل فسفر، پتانسیم و نیکل کل به روش خشک‌سوزانی (Westerman, 1990; Peters, 2003) اندازه‌گیری گردید (جدول ۱).

جدول ۱- برخی ویژگی‌های فیزیکی و شیمیایی خاک و ورمی‌کمپوست مورد مطالعه.

ورمی‌کمپوست	خاک	واحد	ویژگی
-	لوم	-	بافت
۷/۶۱ (نسبت ۱۰:۱ با آب مقطر)	۷/۶ (عصاره اشباع)	-	pH
۱/۷ (نسبت ۱۰:۱ با آب مقطر)	۰/۷۲ (عصاره اشباع)	(dS m ^{-۱})	قابلیت هدایت الکتریکی
۱/۱۹	۰/۰۸	%	نیتروژن
۲۸۸	۲۱	mg kg ^{-۱}	فسفر
۱۳۳۰۰	۲۸۰	mg kg ^{-۱}	پتانسیم
۱۲/۲	۱/۲	(%)	کربن آلی
-	۲۸/۵	(%)	کلسیم کربنات معادل
۴/۴۹	۰/۰۹	mg kg ^{-۱}	نیکل قابل جذب
۴۴/۲۲	۱/۷۶	mg kg ^{-۱}	نیکل کل

آزمایش به صورت فاکتوریل بر پایه طرح کاملاً تصادفی و با سه تکرار انجام شد. فاکتورهای آزمایش شامل نیکل در دو سطح (۰ و ۱۰۰ میلی‌گرم بر کیلوگرم خاک)، ورمی‌کمپوست در سه سطح (۰، ۵ و ۱۰ درصد وزنی خاک) و دو زمان خوابانیدن (۱ و ۲ ماه) بودند. برای آلووده کردن خاک ابتدا برای هر گلدان، ۵۰۰ گرم خاک توزین شد. سپس سطوح مختلف نیکلار منبع نیکل نیترات از طریق اسپری کردن به نمونه‌های خاک اضافه گردید. پس از خشک شدن، نمونه‌های خاک گلدان کاملاً مخلوط شد و سطوح ورمی‌کمپوست به آن‌ها اضافه شد. در طول دوره آزمایش، نمونه‌ها در دمای ۲۵ درجه سلسیوس انکوباسیون و رطوبت نمونه‌ها نیز با توزین کردن در حدود ظرفیت مزرعه‌ای نگهداری شد. برای ایجاد تهویه و شرایط هوایی، سوراخی به قطر چند میلی‌متر روی درب هر یک از ظرف‌ها تعبیه گردید. در مرحله اول (یک ماه پس از آلووده کردن خاک مورد نظر با نیکل)، ۱۰ گرم از خاک هر گلدان برداشته شد و با استفاده از روش Sing et al. (1988) شکل‌های شیمیایی نیکل شامل محلول+تابادلی، کربناتی، آلی، پیوند یافته با اکسیدهای منگنز و آهن اندازه‌گیری شدند (جدول ۲). در مرحله دوم (۲ ماه پس از آلووده کردن) نیز مراحل مرحله اول تکرار گردید. برای تحلیل آماری داده‌ها از نرم‌افزار SAS و برای مقایسه میانگین‌ها از آزمون دانکن در سطح احتمال ۵ درصد استفاده گردید.

جدول ۲ - مراحل مختلف عصاره‌گیری دنباله‌ای به روش Sing et al. (1988)

شکل شیمیایی	نسبت خاک به عصاره‌گیر	عصاره‌گیر	زمان به تعادل (ساعت)	دما (درجه سلسیوس)
تابالی (Ex)	10:40	1 M Mg(NO ₃) ₂	۲	۲۰
کربناتی (Car)	10:40	1 M NaOAc (pH=5.0)	۵	۲۰
پیوند یافته با ماده آلی (OM)	10:20	0.7 M NaOCl (pH=8.5)	۰/۵	۱۰۰
(Mn-Ox)	5:50	0.1 M NH ₂ OH.HCl (pH=2.0)	۰/۵	۱۰۰
پیوند یافته با اکسیدهای آهن بی‌شکل (AFe-Ox)	5:50	0.25 M NH ₂ OH.HCl + 0.25 M HCl	۰/۵	۵۰
پیوند یافته با اکسیدهای آهن بلورین (CFe-Ox)	5:50	0.2 M (NH ₄) ₂ C ₂ O ₄ + 0.2 M H ₂ C ₂ O ₄ + 0.1 M C ₆ H ₈ O ₆	۰/۵	۱۰۰
باقی‌مانده (Res)	-	مجموع سایر شکل‌ها	-	-

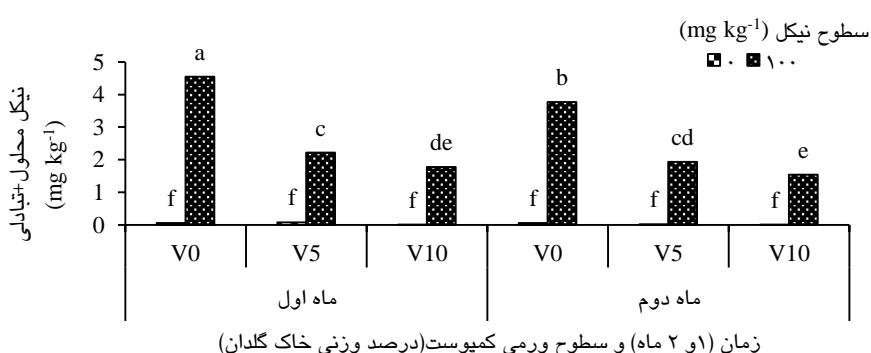
غلهٔ نیکل محلول + تبادلی در خاک

نتایج تجزیه واریانس نشان داد که اثرهای اصلی ورمی‌کمپوست، نیکل و زمان و اثرهای متقابل دوگانه و سه‌جانبه آن‌ها بر غلهٔ نیکل محلول + تبادلی در خاک معنادار بودند (جدول ۳).

جدول ۳ - تجزیه واریانس اثر ورمی‌کمپوست، نیکل و زمان بر شکل‌های شیمیایی نیکل در خاک.

منابع تغییر	درجه آزادی	Sol+Ex	Car	OM	MnOX	AFeOX	CFeOX	Res
زمان	۱	۰/۲۴۶**	۱۲/۴۶۸**	۱/۸۲۸**	۶/۳۵۱**	۱۲/۰۶**	۴۰/۰۵۷**	۲۷/۳۴ ns
نیکل	۱	۱۵/۹۵**	۳۲۹/۳۲**	۴۰/۴/۶۹۴**	۲۲۲/۴**	۱۰۵۸/۲**	۱۸۲۱/۰۳**	۴۷۱۸/۱۱**
ورمی‌کمپوست	۲	۱/۹۲۲**	۲۰/۶۶**	۷/۸۹۸**	۲/۵۱۱**	۴۵۹/۶۳**	۹۷/۳۶**	۶۸۲/۴۶**
زمان×نیکل	۱	۰/۲۴**	۱۱/۸۴۷**	۰/۰۰۷ ns	۱/۲۸۶**	۶/۰۶**	۲۰/۰۶۴**	۱۷/۴۹ ns
زمان×ورمی‌کمپوست	۲	۰/۰۴**	۰/۸۸۴**	۰/۱۸۶ ns	۰/۰۷ ns	۵/۱۴**	۵/۱۴**	۱۰۰/۶۳**
نیکل×ورمی‌کمپوست	۲	۱/۶۹**	۹/۵۶۲**	۱/۵۵۹**	۰/۵۸۷*	۳/۹۷**	۳۴/۱۳**	۳۵۲/۱۶**
زمان×نیکل×ورمی‌کمپوست	۲	۰/۰۴۲**	۰/۷۵۵**	۰/۰۵۶ ns	۰/۰۸ ns	۱/۳ ns	۱/۳ ns	۳۴/۹ ns
خطا	۲۴	۰/۰۰۵	۰/۱۰۴	۰/۱۵۵	۰/۱۴۶	۰/۶۳	۰/۵۳	۱۷/۷۶
ضریب تغییرات		۴/۸۹	۷/۴	۱۱/۹۹	۸/۴۶	۷/۶۱	۱/۶۳	۸/۶۷

ns، * و ** به ترتیب غیرمعنادار و معنادار در سطح احتمال ۵ و ۱ درصد.

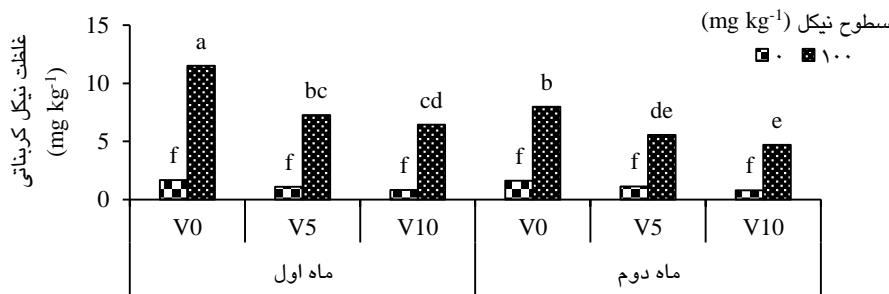


شکل ۱- اثر متقابل سه‌جانبه ورمی‌کمپوست، نیکل و زمان خوابانیدن بر غلهٔ نیکل محلول + تبادلی. ستون‌های دارای یک حرف لاتین مشترک، در سطح احتمال ۵ درصد با آزمون دانکن از لحاظ آماری تفاوت معناداری ندارند.

(V0=شاهد (بدون ورمی‌کمپوست)، V1=درصد وزنی خاک ورمی‌کمپوست و V2=درصد وزنی خاک ورمی‌کمپوست) مقایسه میانگین‌های شکل محلول+تبادلی برای اثر متقابل سه‌جانبه ورمی‌کمپوست، نیکل و زمان نشان داد که در هر دو زمان کاربرد ورمی‌کمپوست شکل محلول+تبادلی را در غلظت ۱۰۰ میلی‌گرم در کیلوگرم نیکل به صورت معناداری کاهش داد (شکل ۱)؛ به طوری که در ماه دوم در غلظت ۱۰۰ میلی‌گرم در کیلوگرم نیکل در هر دو سطح ورمی‌کمپوست (۵ و ۱۰ درصد وزنی خاک) نسبت به ماه اول در این سطح نیکل به ترتیب ۱۲/۷۹ و ۱۲/۱۳ درصد شکل محلول+تبادلی نیکل کاهش پیدا کرد. در حالی‌که در سطح عدم کاربرد نیکل، کاربرد ورمی‌کمپوست تفاوت معناداری بر این شکل از نیکل نداشت (شکل ۱). افزایش غلظت نیکل محلول+تبادلی در نتیجه افزودن نیکل به خاک را می‌توان این‌گونه بیان کرد که با افزایش غلظت نیکل به خاک، در ابتدا نیکل وارد فاز محلول و تبادلی می‌شود اما با گذشت زمان به تدریج نیکل از این دو فاز خارج شده و به شکل‌های کم محلول‌تر تبدیل می‌گردد. کاهش در میزان شکل محلول+تبادلی با گذشت زمان می‌تواند به عنوان راهکاری مؤثر در کاهش آلودگی محیط‌زیستی ناشی از نشر فلزهای سنگین معرفی گردد (Meng et al., 2018). Rajaei et al. (2008) گزارش کردند که با افزایش غلظت نیکل، شکل تبادلی + محلول نیکل به طور معناداری افزایش یافت در حالی‌که با گذشت زمان به طور معناداری کاهش یافت که با نتایج این تحقیق مشابه است. Meng et al. (2018) با بررسی اثر اصلاح‌کننده آلی بر توزیع شکل‌های شیمیابی کادمیم گزارش کردند افزایش تیمار آلی در طول زمان سبب تغییر کادمیم از بخش تبادلی به بخش کربناتی شد. آنان دلیل این امر را افزایش اسیدیتی خاک در اثر استفاده از کود آلی و در نتیجه رسوب کادمیم به شکل کربنات کادمیم دانستند.

غلظت نیکل پیوند شده با کربنات‌ها

نتایج تجزیه واریانس نشان داد که اثرهای اصلی ورمی‌کمپوست، نیکل و زمان و اثرهای متقابل دوگانه و سه‌جانبه آن‌ها بر غلظت نیکل پیوند شده با کربنات‌ها در خاک معنادار بودند (جدول ۳). مقایسه میانگین‌های غلظت نیکل پیوند شده با کربنات‌ها برای اثر متقابل سه‌جانبه ورمی‌کمپوست، نیکل و زمان نشان داد که کاربرد سطوح مختلف ورمی‌کمپوست سبب کاهش معنادار شکل کربناتی نیکل در طول زمان گردید. به طور یکه در ماه دوم در غلظت ۱۰۰ میلی‌گرم نیکل بر کیلوگرم خاک، کاربرد ۵ و ۱۰ درصد وزنی ورمی‌کمپوست، نسبت به همان سطح از نیکل و همان سطح از ورمی‌کمپوست در ماه اول شکل محلول + تبادلی به ترتیب ۲۲/۴۷ و ۲۶/۹۸ درصد کاهش پیدا کرد. در حالی‌که در هر دو زمان در سطح عدم کاربرد نیکل در طول زمان اسیدهای آلی افزایش یافته و موجب تجزیه فاز کربناتی نشود (شکل ۲). به نظر می‌رسد با افزایش ماده آلی و تجزیه آن در طول زمان اسیدهای آلی افزایش یافته و موجب تجزیه فاز کربناتی می‌گردد؛ بنابراین، نیکل آزاد شده و به سایر اجزا فاز آلی می‌پیوندد در نتیجه فرم کربناتی کاهش می‌یابد. کودهای آلی می‌توانند شکل تبادلی و محلول فلزهای سنگین را به شکل‌های کربناتی، ماده آلی و هیدروکسید چندگانه تغییر و فراهمی زیستی آن‌ها را کاهش دهند. شکل کربناتی، آلی و هیدروکسیدهای چندگانه به ویژگی‌های فیزیکی و شیمیابی محیط بستگی دارد (Hoseinian Rostami et al., 2013). Rahimi (2018) با بررسی اثر سطوح مختلف کود آلی بر شکل‌های شیمیابی نیکل گزارش کرد با گذشت زمان در تمامی سطوح کودی اعمال شد شکل کربناتی نیکل در خاک کاهش پیدا کرد. نتایج تحقیقات Hamidpour et al. (2017) نشان داد که کاربرد ۵ و ۱۰ درصد ورمی‌کمپوست سبب افزایش غلظت سرب و کادمیم در بخش کربناتی شد به طوریکه از بین شکل‌های محلول+تبادلی، آلی و اکسیدهای آهن و منگنز و شکل باقی‌مانده بیشترین مقدار مربوط به بخش کربناتی بود.

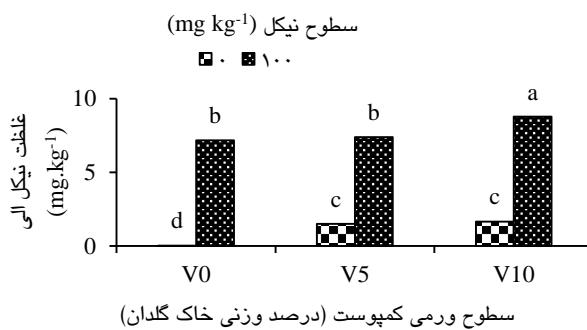


زمان (۱ و ۲ ماه) و سطوح ورمی کمپوست (درصد وزنی خاک گلدان)

شکل ۲- اثر متقابل سه‌تایی ورمی‌کمپوست، سطوح نیکل و زمان خواباندن بر غلظت نیکل کربناتی. ستون‌های دارای یک حرف لاتین مشترک، در سطح احتمال ۵ درصد با آزمون دانکن از لحاظ آماری تفاوت معناداری ندارند.
=شاهد (بدون ورمی‌کمپوست)، $V1 = ۵$ درصد وزنی خاک ورمی‌کمپوست و $V2 = ۱۰$ درصد وزنی خاک ورمی‌کمپوست)

غلظت نیکل پیوند شده با مواد آلی

نتایج تجزیه واریانس اثر کاربرد سطوح مختلف ورمی‌کمپوست و نیکل در طول زمان بر نیکل شکل پیوند شده با ترکیبات آلی، نشان داد اثر اصلی سطوح ورمی‌کمپوست، نیکل و زمان بر شکل آلی نیکل در سطح احتمال ۱ درصد مثبت و معنادار شد (جدول ۳). در حالی‌که از بین تیمارهای اعمال شده تنها اثر متقابل دوگانه نیکل×ورمی‌کمپوست معنادار گردید. نتایج اثر متقابل دوگانه نیکل×ورمی‌کمپوست نشان داد که افزایش سطوح مختلف کود ورمی‌کمپوست، سبب افزایش شکل پیوند شده نیکل با ترکیبات آلی شد به‌طوری‌که بیشترین شکل نیکل آلی (۸/۷ میلی‌گرم در کیلوگرم) در بالاترین سطح ورمی‌کمپوست (۱۰ درصد وزنی خاک گلدان) و نیکل (۰ میلی‌گرم در کیلوگرم) مشاهده گردید (شکل ۳). در حالی‌که کمترین شکل نیکل آلی (۰/۰۲۵ میلی‌گرم در کیلوگرم) در سطح شاهد (عدم‌کاربرد ورمی‌کمپوست و نیکل) مشاهده گردید (شکل ۳). یکی از دلایل افزایش شکل پیوند شده با ترکیبات آلی می‌تواند تمایل فلز به ماده آلی و پیوند قوی آن با گروه‌های عاملی دارای الکترون در ماده آلی باشد. جذب فلزهای سنگین به‌وسیله مواد آلی از طریق واکنش‌های کمپلکس با مواد آلی ایجاد می‌گردد. در نتیجه همواره بین کربن آلی خاک و میزان جذب فلزهای سنگین رابطه معناداری وجود دارد. بررسی (1983) Brummer & Herms نشان داد که با توجه به اینکه مواد آلی، داری ترکیبات مختلف با ساختارهای متقاوت، وزن مولکولی و گروه‌های عاملی متعددی هستند بنابراین تعیین اینکه کدامیک سبب افزایش یا کاهش حل‌پذیری فلز سنگین در خاک می‌شوند، امری مشکل است. Abdelhafez et al. (2014) گزارش کردند افزایش شکل نیکل پیوند شده با ترکیبات آلی در تیمارهای تحت تأثیر مواد آلی به افزایش کربن آلی ناشی از کاربرد این تیمارها در خاک در طی زمان مرتبط است.

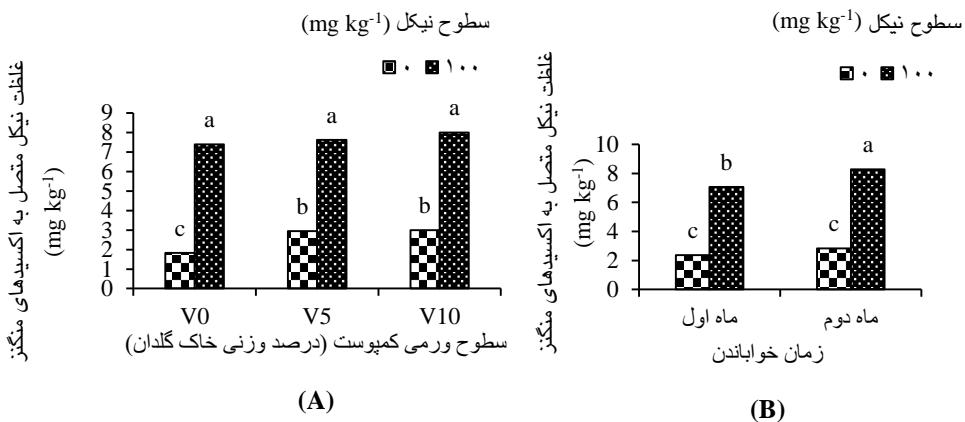


شکل ۳- اثر متقابل ورمی‌کمپوست و سطوح نیکل بر غلظت نیکل آلی.

ستون‌های دارای یک حرف لاتین مشترک، در سطح احتمال ۵ درصد با آزمون دانکن از لحاظ آماری تفاوت معناداری ندارند.
 $V0$ =شاهد (بدون ورمی‌کمپوست)، $V1=5$ درصد وزنی خاک ورمی‌کمپوست و $V2=10$ درصد وزنی خاک ورمی‌کمپوست)

غلظت نیکل پیوند شده به اکسیدهای منگنز

نتایج تجزیه واریانس اثر کود ورمی‌کمپوست و نیکل بر شکل نیکل پیوند شده با اکسیدهای منگنز در طول زمان نشان داد اثرات اصلی سطوح ورمی‌کمپوست، نیکل و زمان در سطح احتمال ۱ درصد مثبت و معنادار گردید. در حالی‌که از اثر متقابل تیمارهای اعمال شده تنها اثر متقابل دو تایی زمان × نیکل و ورمی‌کمپوست × نیکل مثبت و معنادار گردید. بر اساس نتایج به دست آمده با افزایش سطوح ورمی‌کمپوست نیکل پیوند شده با اکسیدهای منگنز افزایش یافت (شکل ۴)؛ به طوری‌که بیشترین (۷/۹۹ میلی‌گرم در کیلوگرم) این شکل از نیکل در تیمار ۱۰ درصد وزنی ورمی‌کمپوست + ۱۰۰ میلی‌گرم در کیلوگرم نیکل مشاهده گردید در حالی‌که با تیمارهای شاهد (عدم کاربرد ورمی‌کمپوست) + ۱۰۰ میلی‌گرم در کیلوگرم نیکل و ۵ درصد وزنی ورمی‌کمپوست + ۱۰۰ میلی‌گرم در کیلوگرم ورمی‌کمپوست) نیکل تفاوت معناداری نداشت. طبق نتایج کمترین (۱/۸۲ میلی‌گرم در کیلوگرم) شکل نیکل پیوند شده با اکسیدهای منگنز در تیمار شاهد (عدم کاربرد نیکل و ورمی‌کمپوست) مشاهده گردید (شکل ۴). مطالعات Baghaie et al. (2012) نشان داد کاربرد کود گاوی در خاک آلوده به سرب به ترتیب موجب افزایش توزیع نسبی سرب در بخش‌های اکسیدها و کربنات گردید؛ که این امر اهمیت بخش معدنی را در برابر بخش آلی نشان می‌دهد. آنان همچنین بیان کردند که کودهای آلی دارای مقادیر بالایی از ترکیبات معدنی ثبت‌کننده از جمله فسفات‌ها و اکسیدهای آهن منگنز هستند که قابلیت دسترسی فلزهای سنگین را کاهش می‌دهد. در خاک‌هایی با اسیدیتی قلیایی و خنثی کاتیون‌های فلزی می‌توانند جذب هیدروکسیدهای آهن، منگنز و آلومنیوم شوند. ماده آلی و اکسیدها جاذب‌های اولیه خاک به شمار می‌آیند که در کاهش زیست‌فراهرمی فلزهای سنگین در خاک نقش مهمی را بر عهده دارند. با افزایش زمان خواباندن نیکل پیوند یافته با اکسیدهای منگنز افزایش یافت. به طوری‌که بیشترین شکل نیکل (۸/۲۷ میلی‌گرم در کیلوگرم) در تیمار ۱۰۰ میلی‌گرم در کیلوگرم نیکل و در ماه دوم مشاهده شد که نسبت به ماه دوم ۱۷/۲۴ درصد افزایش یافت. کمترین مقدار نیکل نیز در تیمار شاهد (عدم کاربرد نیکل) در ماه اول مشاهده شد که با تیمار شاهد در ماه دوم تفاوت معناداری نداشت. افزایش جزء پیوند یافته با اکسیدهای فلز در اثر افزودن کودهای آلی به وسیله سایر پژوهشگران نیز گزارش شده است (Basta et al., 2005; Rahimi, 2018).



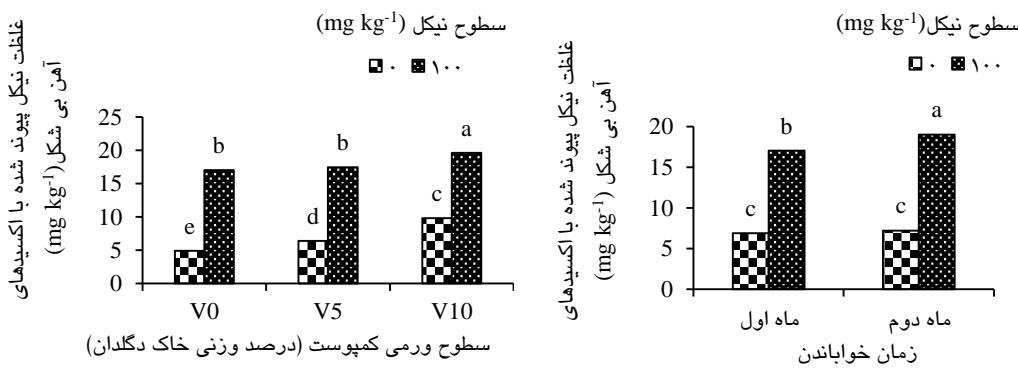
شکل ۴- اثر متقابل ورمی‌کمپوست و سطوح نیکل (A) و اثر متقابل زمان و سطوح نیکل (B) بر غلظت نیکل پیوند یافته با اکسیدهای منگنز.

ستون‌های دارای یک حرف لاتین مشترک، در سطح احتمال ۵ درصد با آزمون دانکن از لحاظ آماری تفاوتی معنادار ندارند.

(V0)=شاهد (بدون ورمی‌کمپوست)، (V1)=۵ درصد وزنی خاک ورمی‌کمپوست و (V2)=۱۰ درصد وزنی خاک ورمی‌کمپوست)

غلظت نیکل پیوند شده با اکسیدهای آهن بی‌شکل

نتایج تجزیه واریانس اثر کاربرد سطوح مختلف ورمی‌کمپوست و نیکل بر شکل نیکل پیوند شده با اکسیدهای آهن بی‌شکل در طول زمان، نشان داد اثر اصلی سطوح ورمی‌کمپوست، نیکل و زمان بر شکل آلی نیکل در سطح احتمال ۱ درصد مثبت و معنادار شد (جدول ۲). در حالی‌که از بین تیمارهای اعمال شده تنها اثر متقابل دوتایی زمان×نیکل و نیکل×ورمی‌کمپوست معنادار گردید. نتایج اثر متقابل دوتایی نیکل×ورمی‌کمپوست نشان داد که کاربرد سطوح مختلف ورمی‌کمپوست سبب افزایش معنادار شکل نیکل پیوند شده با اکسیدهای آهن بی‌شکل شد (شکل ۵). به‌طوریکه بیشترین شکل نیکل پیوند شده با اکسیدهای آهن بی‌شکل (۱۹/۶۲ میلی‌گرم در کیلوگرم) در تیمار ۱۰ درصد ورمی‌کمپوست ۱۰۰+ میلی‌گرم در کیلوگرم نیکل مشاهده گردید، کمترین (۴/۹۳ میلی‌گرم در کیلوگرم) مقدار این شکل نیکل نیز در تیمار شاهد (عدم کاربرد نیکل و ورمی‌کمپوست) مشاهده شد. نتایج اثر متقابل دوتایی نیکل×زمان بر شکل نیکل پیوند شده با اکسیدهای آهن بی‌شکل نشان داد با گذشت زمان مقدار نیکل پیوند شده با اکسیدهای آهن بی‌شکل افزایش معناداری داشت به‌طوریکه بیشترین غلظت نیکل در ماه دوم (۱۹/۰۲ میلی‌گرم در کیلوگرم) و سطح ۱۰۰ میلی‌گرم در کیلوگرم مشاهده گردید که نسبت به ماه اول ۱۱/۶۰ درصد افزایش یافت. کمترین مقدار (۶/۸۸ میلی‌گرم در کیلوگرم) نیز در تیمار شاهد (عدم کاربرد نیکل) در ماه اول مشاهده گردید که با تیمار شاهد در ماه دوم تفاوت معناداری نداشت (شکل ۵). Rajaei et al. (2008). گزارش کرد که کاربرد نیکل به صورت منبع نمکی و کمپوست غنی‌شده در گذر زمان باعث افزایش شکل اکسیدهای آهن بی‌شکل در خاک گردید. Sefidgar Shahkolaie et al. (2020) گزارش کردند استفاده از اصلاح‌کننده آلی سبب کاهش بخش تبادلی کادمیم و افزایش بخش‌های اکسیدی و آلی شد.



شکل ۵- اثر متقابل ورمی‌کمپوست و سطوح نیکل (A) و اثر متقابل زمان و سطوح نیکل (B) بر غلظت نیکل پیوند یافته به اکسیدهای آهن.

ستون‌های یک حرف لاتین مشترک، در سطح احتمال ۵ درصد با آزمون دانکن از لحاظ آماری تفاوت معناداری ندارند.

(V0=شاهد (بدون ورمی‌کمپوست)، V1=۵ درصد وزنی خاک ورمی‌کمپوست و V2=۱۰ درصد وزنی خاک ورمی‌کمپوست)

غلظت نیکل پیوند شده با اکسیدهای آهن بلورین

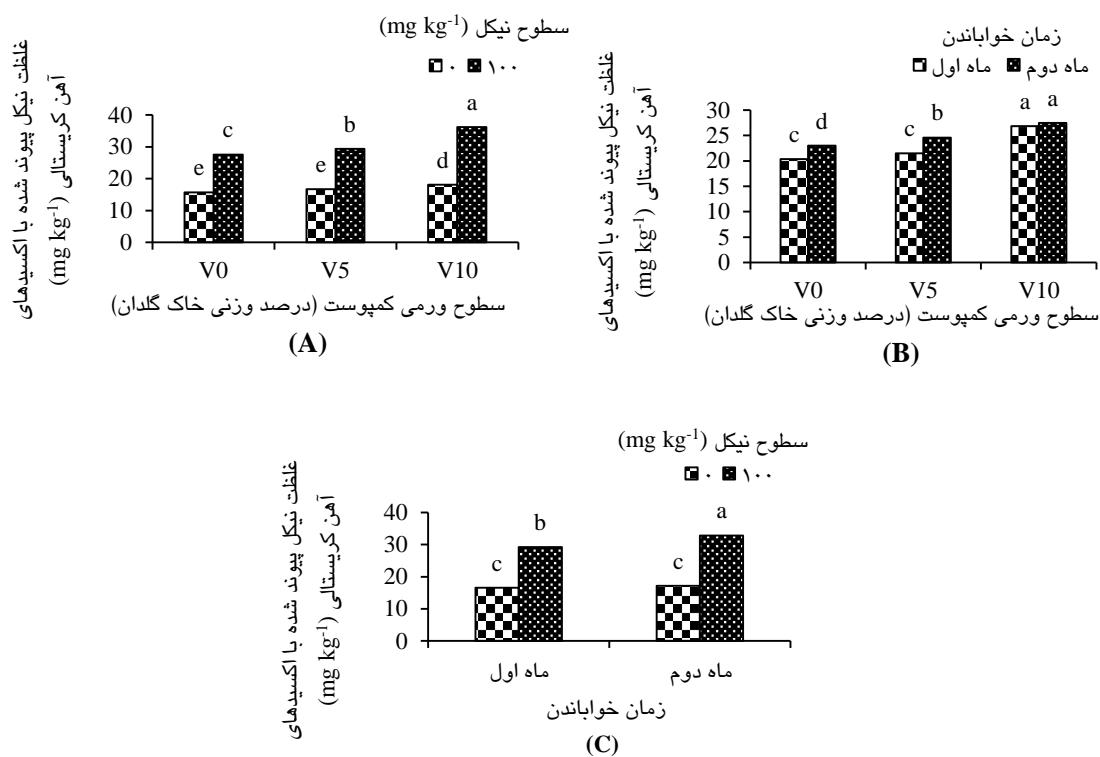
نتایج تجزیه واریانس اثر کاربرد سطوح مختلف ورمی‌کمپوست و نیکل بر شکل نیکل پیوند شده با اکسیدهای آهن بلورین در طول زمان نشان داد اثر اصلی کاربرد سطوح مختلف ورمی‌کمپوست، سطوح نیکل و زمان و تمام اثر متقابل‌های دوتایی بین تیمارهای اعمال شده در سطح احتمال ۱ درصد معنادار گردید (جدول ۴). نتایج اثر متقابل دوتایی نیکل × ورمی‌کمپوست بر نیکل پیوند شده با اکسیدهای آهن بلورین نشان داد که کاربرد سطوح ورمی‌کمپوست سبب افزایش غلظت نیکل شد (شکل ۶). به طوریکه بیشترین (۲۶/۱۸ میلی‌گرم در کیلوگرم) مقدار این شکل از نیکل در بالاترین سطح ورمی‌کمپوست (۱۰ درصد وزنی خاک گلدان) و تیمار ۱۰۰ میلی‌گرم در کیلوگرم مشاهده گردید. همچنین نتایج نشان داد که کمترین (۱۵/۷۳ میلی‌گرم در کیلوگرم) مقدار نیکل پیوند شده با اکسیدهای آهن بلورین در تیمار شاهد عدم کاربرد نیکل تفاوت معناداری نداشت (شکل ۶). کودهای آلی به دلیل داشتن اکسیدهای آهن می‌توانند نیکل موجود در خاک را به صورت نیکل پیوند یافته با اکسیدهای آهن ثبت کنند؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در اثر کاربرد کود ورمی‌کمپوست در طی زمان این شکل از نیکل در خاک افزایش یافته است. آنکه اعلام کردند با حذف اکسیدهای آهن از کود گاوی، شکل نیکل پیوند یافته با اکسیدهای آهن کاهش یافت در حالیکه افزایش شکل‌ها کربناتی و آلی نیکل مشاهده گردید. نتایج اثر متقابل ورمی‌کمپوست × زمان نشان داد که با افزایش سطوح ورمی‌کمپوست و زمان خواباندن غلظت نیکل پیوند شده با اکسیدهای آهن بلورین افزایش یافت به طوریکه بیشترین (۴۵/۲۷ میلی‌گرم در کیلوگرم) مقدار نیکل در بالاترین سطح ورمی‌کمپوست (۱۰ درصد وزنی خاک گلدان) در ماه دوم مشاهده گردید که با مقدار نیکل در همین سطح از ورمی‌کمپوست در ماه اول تفاوت معناداری نداشت. در حالیکه کمترین (۳۴/۲۰ میلی‌گرم در کیلوگرم) مقدار در تیمار عدم کاربرد ورمی‌کمپوست در ماه اول مشاهده شد که با تیمار ۵ درصد وزنی ورمی‌کمپوست در ماه اول تفاوت معناداری نداشت. همان‌طور که مشاهده گردید که با گذشت زمان افزایش شکل‌های اکسیدهای آهن بی‌شک و بلورین نسبت به شکل اکسیدهای منگنز بیشتر بود. این مسئله را می‌توان به تمایل زیاد نیکل برای واکنش و اتصال به اکسیدهای آهن نسبت داد. نتایج اثر متقابل

سطوح نیکل × زمان نشان داد که با افزایش زمان خواباندن غلظت نیکل پیوند شده با اکسیدهای آهن بلورین افزایش یافت به طوریکه بیشترین (۳۲/۸۷ میلی‌گرم در کیلوگرم) مقدار نیکل در بالاترین سطح نیکل (۱۰۰ میلی‌گرم در کیلوگرم) در ماه دوم مشاهده گردید. در حالیکه کمترین (۱۶/۵۳ میلی‌گرم در کیلوگرم) مقدار در تیمار شاهد (عدم‌کاربرد نیکل) در ماه دوم تفاوت معناداری نداشت (شکل ۶). Tashakor et al. (2014) با مطالعه شکل‌های شیمیایی فلزهای سنگین گزارش کردند که شکل باقی‌مانده و اکسیدهای آهن بلورین بیشترین مقدار را در بین شکل‌های شیمیایی نیکل به خود اختصاص داده‌اند. مطالعه Han et al. (2001) نیز نشان داد توزیع برخی فلزهای سنگین مانند روی، نیکل، مس و کروم پس از افزوده به خاک به این صورت بود که کروم، در درازمدت از جزء کربناتی خاک به جزء مواد آلی و نیکل و روی به جزء اکسیدی منتقل شدند.

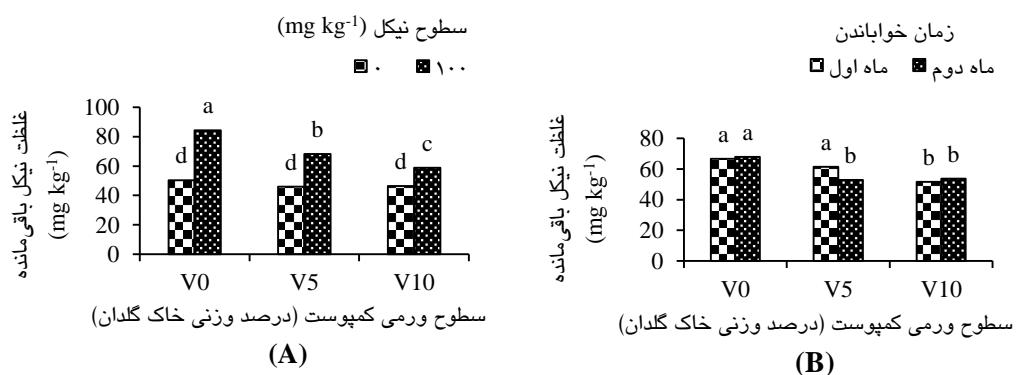
غلظت نیکل باقی‌مانده

نتایج تجزیه واریانس اثر کاربرد سطوح مختلف ورمی‌کمپوست و نیکل در طول زمان بر شکل نیکل باقی‌مانده نشان داد کاربرد سطوح نیکل و ورمی‌کمپوست بر این شکل از نیکل در سطح احتمال ۱ درصد معنادار شد. در حالیکه زمان اثر معناداری بر آن نداشت. از بین اثر متقابل تیمارهای اعمال شده تنها اثر متقابل دوتایی زمان×ورمی‌کمپوست و نیکل×ورمی‌کمپوست معنادار گردید. نتایج نشان داد کاربرد ورمی‌کمپوست شکل نیکل باقی‌مانده را به صورت معناداری کاهش داد (شکل ۷); به طوریکه بیشترین مقدار (۸۴/۴۱ میلی‌گرم در کیلوگرم) در تیمار شاهد (عدم‌کاربرد ورمی‌کمپوست) + ۱۰۰ میلی‌گرم در کیلوگرم نیکل مشاهده شد و کمترین مقدار (۴۶/۰۸ میلی‌گرم در کیلوگرم) در تیمار شاهد (عدم‌کاربرد نیکل) در سطح ۵ درصد وزنی ورمی‌کمپوست مشاهده گردید که با تیمارهای شاهد (عدم‌کاربرد نیکل) در سطوح ۱۰ درصد ورمی‌کمپوست و شاهد (عدم‌کاربرد ورمی‌کمپوست) تفاوت معناداری نداشت (شکل ۷). از آنجاییکه ترکیبات آلی تمايل گزینشی برای جذب نیکل دارند علت این موضوع را می‌توان به افزایش نیکل پیوند شده با ترکیبات آلی در اثر افزودن کود ورمی‌کمپوست نسبت داد.

همچنین بر اساس نتایج، زمان اثر معناداری بر شکل نیکل باقی‌مانده نداشت. هرچند کاربرد ورمی‌کمپوست باعث کاهش نیکل باقی‌مانده شد اما با وجود کاهش این فرم نیکل، شکل‌های دیگر که قابلیت استفاده بیشتری دارند مانند محلول + تبادلی و کربناتی در اثر مصرف تیمارهای کود ورمی‌کمپوست کاهش یافته‌ند؛ بنابراین کاربرد ورمی‌کمپوست با تبدیل نیکل به فرم‌های باقابلیت دسترسی کم مانند شکل‌های آلی و اکسیدی می‌توانند قابلیت استفاده نیکل را کاهش دهد. در گزارشی عنوان شد که کاربرد انواع کمپوست سبب افزایش شکل آلی و کاهش شکل کربناتی کادمیم و همچنین سبب کاهش شکل باقی‌مانده نیکل و افزایش شکل‌های آلی و اکسیدی این فلز می‌شود (Zinati et al., 2004). مطالعات Ravanbakhsh et al. (2011) نیز نشان داد نیکل به صورت عده به فاز باقی‌مانده می‌پیوندد و در خاکهای با ویژگی‌های متفاوت انعطاف‌پذیری بالایی نشان نمی‌دهد و تقریباً همان نسبت را حفظ می‌کند.



شکل ۶- اثر متقابل ورمی‌کمپوست و سطوح نیکل (A)، اثر متقابل زمان و سطوح ورمی‌کمپوست (B) و اثر متقابل زمان و سطوح نیکل (C) بر غلظت نیکل پیوند یافته به اکسیدهای آهن بلورین. ستون‌های دارای یک حرف لاتین مشترک، در سطح احتمال ۵ درصد با آزمون دان肯 از لحاظ آماری تفاوت معناداری ندارند. (V0=شاهد (بدون ورمی‌کمپوست)، V5=۵ درصد وزنی خاک ورمی‌کمپوست و V10=۱۰ درصد وزنی خاک ورمی‌کمپوست)



شکل ۷- اثر متقابل ورمی‌کمپوست و سطوح نیکل (A) و اثر متقابل زمان و سطوح ورمی‌کمپوست (B) بر غلظت نیکل باقیمانده. ستون‌های دارای یک حرف لاتین مشترک، در سطح احتمال ۵ درصد با آزمون دان肯 از لحاظ آماری تفاوت معناداری ندارند. (V0=شاهد (بدون ورمی‌کمپوست)، V1=۵ درصد وزنی خاک ورمی‌کمپوست و V2=۱۰ درصد وزنی خاک ورمی‌کمپوست)

نتیجه‌گیری کلی

به طور کلی نتایج نشان داد که کاربرد سطوح مختلف ورمی‌کمپوست نسبت به شاهد باعث تغییر در توزیع شکل‌های شیمیایی نیکل گردید به این صورت که در طول زمان از شکل‌های با حل‌پذیری بالا به شکل‌های با حل‌پذیری کمتر تغییر پیدا کرد. همچنین، نتایج نشان داد که در تمامی تیمارها بیشترین شکل نیکل در

قسمت باقی‌مانده بود. بنابراین، حضور بخش عمد نیکل به شکل باقی‌مانده و تغییر شکل سایر شکل‌های نیکل با قابلیت استفاده زیاد به شکل‌های کم محلول‌تر در طی زمان، نشان‌دهنده زیست‌فراهرمی بسیار کم نیکل در خاک است. همچنین، نتایج نشان داد که در هر دو زمان (۱ و ۲ ماه) کاربرد سطوح مختلف ورمی‌کمپوست موجب کاهش معنادار شکل محلول+تبادلی، کربناتی و باقی‌مانده نیکل گردید در حالی که سایر شکل‌های نیکل (آلی، اکسیدهای آهن و منگنز، اکسیدهای آهن بی‌شکل) به صورت معناداری افزایش یافتند. با توجه به اثر مثبت ورمی‌کمپوست بر کاهش زیست‌فراهرمی نیکل در خاک در طول زمان می‌توان عنوان کرد این کود آلی در خاک‌های آلوده به فلزهای سنگین از جمله نیکل می‌تواند خطرات محیط‌زیستی این عنصر را کاهش دهد. همچنین، با توجه به دوره کوتاه زمانی به کار گرفته شده در این پژوهش پیشنهاد می‌شود که برای بررسی اثر ورمی‌کمپوست بر زیست‌فراهرمی نیکل و سایر فلزهای سنگین در دوره‌های زمانی طولانی‌تری نیز مورد بررسی قرار گیرد.

منابع مورد استفاده

References

- Abdelhafez, A., Li, J. & Abbas, M.H.H. (2014). Feasibility of biochar manufactured from organic wastes on the stabilization of heavy metals in a metal smelter contaminated soil. *Chemosphere*, 117, 66–71. <https://doi.org/10.1016/j.chemosphere.2014.05.086>
- Allison, L.E., & Moodie, C.D. (1965). Carbonates. Pp. 1379–1396. In: *Methods of Soil Analysis*. Part 2. *Chemical and Microbiological Properties*. Monograph No. 9, Soil Science Society of America, Madison. WI, USA.
- Baghaie, A.H., Khoshgoftarmanesh, A.H. & Afyuni, M. (2012). Effects of inorganic and organic fractions of enriched cow manure and sewage sludge on distribution of lead chemical fractionation in soil. *Journal of Water and Soil Science (Science and Technology of Agriculture and Natural Resources)*, 16, 95–106. (In Persian with English abstract). DOI:[20.1001.1.24763594.1391.16.60.9.4](https://doi.org/10.1001.1.24763594.1391.16.60.9.4)
- Baker, D.E. & Amacher, M.C. (1982). Nickel, copper, zinc and cadmium, Pp. 323–336. In: Page AL, Miller RH and Keeney DR (eds) *Methods of soil analysis*. Part 2. *Chemical and microbiological properties*. Second Edition, Soil Science Society of America, American Society of Agronomy, Madison. WI, USA.
- Basta, N.T., Ryan, J.A. & Chaney, R.L. (2005). Trace element chemistry in residual treated soil: key concepts and metal bioavailability. *Journal of Environmental Quality*, 34, 49–63. <https://doi.org/10.2134/jeq2005.0049dup>
- Bolan, N.S., Adriano, D.C. & Curtin, D. (2003). Soil acidification and liming interactions with nutrient and heavy metal transformation and bioavailability. *Advanced in Agronomy*, 78, 216–272. DOI: [10.1016/S0065-2113\(02\)78006-1](https://doi.org/10.1016/S0065-2113(02)78006-1)
- Bremner, J.M. (1996). Nitrogen total. Pp. 1085–1122. In: Sparks DL (eds). *Methods of soil analysis*. Part 3. *Chemical methods*. Soil Science Society of America Book Series 5, Soil Science Society of America, Wisconsin, USA.
- Brummer, G. & Herms, U. (1983). Influence of soil reaction and organic matter on the solubility of heavy metals in soils. Pp. 233–243. In: Ulrich B. & Pankrath J. (eds). *Effects of accumulation of air pollutants in forest ecosystems*. Springer, Dordrecht.
- Courtney, R.G. & Mullen, G.J. (2007). Soil quality and barley growth as influenced by the land application of two compost types. *Bioresource Technology*, 99, 2913–2918. <https://doi.org/10.1016/j.biortech.2007.06.034>
- Falahati, S., Adhami, A. & Olyaei, H. (2023). Changes in the forms of nickel under the influence of time and the use of vermicompost and zeolite in two calcareous soils with different textures. *Journal of Water and Soil Sciences*, 28, 83–94. (In Persian with English abstract) DOI:[10.47176/jwss.27.1.31212](https://doi.org/10.47176/jwss.27.1.31212)

- Fytianos, K., Katsianis, G., Triantafyllou, P. & Zachariadis, G. (2001). Accumulation of heavy metals in vegetables grown in an industrial area in relation to soil. *Bulletin of Environmental Contamination and Toxicology*, 67, 423–430. <https://doi.org/10.1007/s001280141>
- Gao, X., Peng, Y., Zhou, Y., Adeel, M. & Chen, Q. (2019). Effects of magnesium ferrite biochar on the cadmium passivation in acidic soil and bioavailability for packoi (*Brassica chinensis* L.). *Journal of Environmental Management*, 251, 109610. <https://doi.org/10.1016/j.jenvman.2019.109610>
- Gee, G. & Buder, W. (1986). Particle-size analysis. Pp 383-410. In: Klute A (eds). *Methods of soil analysis*. Part 1. *Physical and mineralogical methods*. Soil Science Society of America, American Society of Agronomy, Madison, Wisconsin, USA.
- Gleyzes, C.H., Tellier, S. & Astruc, M. (2002). Fractionation studies of trace elements in contaminated soils and sediments: a review of sequential extraction procedures. *Analytical Chemistry*, 21, 451–467. [https://doi.org/10.1016/S0165-9936\(02\)00603-9](https://doi.org/10.1016/S0165-9936(02)00603-9)
- Hamidpour, M., Akbari, L. & Shirani, H, (2017). Effects of co-application of zeolites and vermicompost on speciation and phytoavailability of cadmium, lead, and zinc in a contaminated soil. *Communications in Soil Science and Plant Analysis*, 48, 262–273. <https://doi.org/10.1080/00103624.2016.1261885>
- Han, F.X., Banin, A. & Triplett, G.B. (2001). Redistribution of heavy metals in arid-zone soils under a wetting-drying soil moisture regime. *Soil Science*, 166, 18–28. DOI: [10.1097/00010694-200101000-00005](https://doi.org/10.1097/00010694-200101000-00005)
- Hooda, P.S. & Alloway, B.J. (1993). Effects of time and temperature on the bioavailability of Cd and Pb from sludgeamended soils. *Journal of Soil Science*, 44, 97–110. <https://doi.org/10.1111/j.1365-2389.1993.tb00437.x>
- Hoseinian Rostami, G., Gholamalizade Ahangar, A. & Lakzian, A. (2013). Time effect on distribution of different fractions of lead in polluted soils. *Journal of Water and Soil*, 27, 1057–1066. (In Persian with English abstract). <https://doi.org/10.22067/jsw.v0i0.22872>
- Kaasalainen, M. & Yli-Halla, M. (2003). Use of sequential extraction to assess metal partitioning in soils. *Environmental Pollution*, 126, 225–233. [https://doi.org/10.1016/S0269-7491\(03\)00191-X](https://doi.org/10.1016/S0269-7491(03)00191-X)
- Knudsen, D., Peterson, G.A. & Pratt, P. (1982). Lithium, Sodium and Potassium. Pp.225-246. In: Page AL (Ed). *Methods of soil analysis*. Part 2. *Chemical and microbiological properties*. Second Edition, Soil Science Society of America, American Society of Agronomy, Madison. WI, USA.
- Kuo, S. (1996). Phosphorus. Pp. 869–918. In: *Methods of soil analysis*. Part 3. *Chemical methods*. Soil Science Society of America, Madison. WI, USA.
- Lindsay, W.L., & Norvell, W. (1978). Development of a DTPA soil test for zinc, iron, manganese, and copper. *Soil Science Society of America Journal*, 42, 421–428. <https://doi.org/10.2136/sssaj1978.03615995004200030009x>
- Lorestani, B., Arjangi, C. & Merrikhpour, H. (2014). Effect of kiwi shell and incubation time on mobility of lead and cadmium in contaminated clay soil. *Journal of Chemical Health Risks*, 4, 23–37. DOI: [10.22034/jchr.2018.544064](https://doi.org/10.22034/jchr.2018.544064)
- Madrid, F., Lopez, R. & Cabrera, F. (2007). Metal accumulation in soil after application of municipal solid waste compost under intensive farming conditions. *Agricultural Ecosystem Environment*, 199, 249–256. <https://doi.org/10.1016/j.agee.2006.07.006>
- Meng, J., Tao, M., Wang, L., Liu, X. & Xu, J. (2018). Changes in heavy metal bioavailability and speciation from a Pb-Zn mining soil amended with biochars from co-pyrolysis of rice straw and swine manure. *Science of the Total Environment*, 633, 300–307. <https://doi.org/10.1016/j.scitotenv.2018.03.199>
- Nelson, D.W. & Sommers, L.E. (1996). Total carbon, organic carbon, and organic matter. Pp. 961–1010. In: *Methods of soil analysis*. Sparks DL, et al. (eds) Part 3. *Chemical methods*. Soil Science Society of America, American Society of Agronomy, Madison, Wisconsin, USA.
- Peters, J. (2003). Recommended Methods of Manure Analysis. *Cooperative Extension publishing, University of Wisconsin*, USA.
- Rahimi, T. (2018). The effect of different levels of cow manure and its biochar on adsorption, desorption kinetic, chemical Fractionation and availability of Ni to maize plant. Ph.D thesis, Shahid Chamran University, Ahwaz, Iran. (In Persian with English abstract)

- Rajaie, M., Karimian, N. & Yasrebi, J. (2008). Nickel transformation in two calcareous soil textural classes as affected by applied nickel sulfate. *Geoderma*, 144, 344–351. <https://doi.org/10.1016/j.geoderma.2007.12.001>
- Ravanbakhsh, M.H., Fotovat, A. & Haghnia, G. (2011). Effect of sewage sludge, clay content and time on the fractionation of nickel and cadmium in selected calcareous soils. *Journal of Water and Soil*, 25, 446–458. (In Persian with English abstract) <https://doi.org/10.22067/jsw.v0i0.9625>
- Rhoades, J.D. (1996). Salinity: Electrical conductivity and total dissolved solids. Pp. 417–435. In: *Methods of Soil Analysis*. Part 3. *Chemical Methods*. Soil Science Society of America, Madison, Madison. WI, USA.
- Sefidgar Shahkolaie, S., Barani Motlagh, M., Dordipour, E. & Khormali, F. (2020). Effects of organic and inorganic amendments on fractionation of cadmium during incubation time in a contaminated calcareous soil. *Applied Soil Research*, 8, 14–26. (In Persian with English abstract)
- Selim, H.M. & Sparks, D.L. (2001). *Heavy metals release in soils*. CRC Press, Boca Raton, USA.
- Sing, J.P., Karwasra, P.S. & Sing, M. (1988). Distribution and forms of copper, iron, manganese and zinc in calcareous soils of India. *Soil Science*, 146, 359–366.
- Tashakor, M., Zuhairi, W., Yaacob, W., Mohamad, H., Abdul Ghani, A. & Saadati, N. (2014). Assessment of selected sequential extraction and the toxicity characteristic leaching test as indices of metal mobility in serpentinite soils. *Chemical Speciation & Bioavailability*, 26, 139–147. DOI: [10.3184/095422914X14036277112433](https://doi.org/10.3184/095422914X14036277112433)
- Tessier, A., Campbell P.G. & Bisson M. (1979). Sequential extraction procedure for the speciation of particulate trace metals. *Analytical Chemistry*, 51, 844–851.
- Thomas, G.W. (1996). Soil pH and soil acidity. Pp. 475–490. In: *Methods of soil analysis*. Sparks DL, et al. (eds) Part 3. *Chemical methods*. Third Edition, Soil Science Society of America, American Society of Agronomy, Madison, Wisconsin, USA.
- Tordoff, G.M., Baker, A.J.M. & Willis, A.J. (2000). Current approaches to the revegetation and reclamation of metalliferous mine wastes. *Chemosphere*, 41, 219–228. [https://doi.org/10.1016/S0045-6535\(99\)00414-2](https://doi.org/10.1016/S0045-6535(99)00414-2)
- Udom, B.E., Mbagwu, J.S.C., Adesodun, J.K. & Agbim, N.N. (2004). Distributions of zinc, copper, cadmium and lead in tropical Ultisol after long-term disposal of sewage sludge. *Environment International*, 30, 467–470. <https://doi.org/10.1016/j.envint.2003.09.004>
- Westerman, R.L. (1990). Soil testing and plant analysis. 3rd Edition, Soil Science Society of America Book Series No. 3, Madison, WI, USA.
- Yang, X., Baligar, V.C., Martens, D.C. & Clark, R.B. (1996). Plant tolerance to nickel toxicity. I: Influx, transport and accumulation of nickel in four species. *Journal of Plant Nutrition*, 19, 73–85. <https://doi.org/10.1080/01904169609365108>
- Zinati, G.M., Li, Y.C., Bryan, H.H., Mylavaram, R.S. & Cadallo, M. (2004). Distribution and fractionation of phosphorus. Cadmium, nickel, and lead in calcareous soils amended with composts. *Journal of Environmental Science and Health, Part B*, 39, 209–223. <https://doi.org/10.1081/PFC-120027450>